

دوفصلنامه علمی- پژوهشی تاریخ‌نگری و تاریخ‌نگاری دانشگاه الزهراء(س)
سال بیست و ششم، دوره جدید، شماره ۱۸، پیاپی ۱۰۳، پاییز و زمستان ۱۳۹۵

تأثیر منابع تاریخی اهل سنت در مطالعات سیره‌شناسی ائمه (مطالعه موردی سیره امام سجاد^(ع) و تاریخ مدینه دمشق ابن عساکر)^۱

عباس میرزایی نوکابادی^۲
نعمت‌الله صفری فروشانی^۳

تاریخ دریافت: ۹۵/۸/۲۵

تاریخ تصویب: ۹۶/۲/۲۵

چکیده

توجه به منابع تاریخی در مطالعات سیره‌شناسی از اهمیت بسزایی برخوردار است، منابعی که جایگاه کمتری در حوزه تولید میراث مکتوب میان شیعیان را به خود اختصاص داده است. در مقابل، اهل سنت نسبت به نگارش متون تاریخی اهتمام بیشتری از خود نشان داده‌اند. از این رو به نظر می‌رسد برای فهم و تبیین تاریخ تشیع و اهل بیت توجه به این منابع سنتی امری ضروری است. حال این پرسش شایسته پاسخ است که برای فهم تاریخی اهل بیت رجوع به داده‌های تاریخی اهل سنت چه جایگاهی دارد؟ این نوشتار در واقع تلاش می‌کند تا فراوانی حجم اطلاعات در

۱. شناسه دیجیتال (DOI): 10.22051/hph.2017.12697.1097

۲. استادیار دانشکده الهیات و ادیان دانشگاه شهید بهشتی؛ A_mirzaei@sbu.ac.ir

۳. استاد جامعه المصطفی؛ i-n-safari@miu.ac.ir

منابع اهل سنت نسبت به منابع شیعی را آشکار کند و نشان دهد که در فهم تاریخ ائمه شیعی راهی جز رجوع به آن گزاره‌ها و استفاده جدی از آن منابع نیست. از این رو تاریخ و سیره امام سجاد (ع) براساس کتاب «تاریخ مدینه دمشق» ابن عساکر (م. ۵۷۱ق.) با سه منبع امامی، یعنی الارشاد شیخ مفید (م. ۴۱۳ق.)، الخرائج قطب راوندی (م. ۵۷۳ق.) و مناقب آل ابی طالب این شهر آشوب (م. ۵۸۸ق.) مورد مطالعه قرار گرفته تا این فرضیه مورد راستی آزمایی قرار گیرد. بررسی مقایسه‌ای میان مقدار اطلاعات ارائه شده میان این سه منبع امامی و یک منبع سنی درباره امام سجاد (ع)، نشان داد که اختلاف معناداری میان حجم کمی و محتوایی اطلاعات ارائه شده آن‌ها وجود دارد، به گونه‌ای که عدم توجه به آن‌ها آشکارا در نتایج پژوهش می‌تواند اثرگذار باشد.

کلیدواژگان: تاریخ اهل بیت (ع)، منابع تاریخی، مطالعات سیره‌ای، سیره امام سجاد (ع)، تاریخ مدینه دمشق.

مقدمه

سنت نگارش آثار تاریخی امامیان تا حدود سده پنجم و پس از آن دچار دو سرنوشت متفاوت شده است: در سده‌های نخست، تاریخ‌نگاری از سابقه برجسته‌ای برخوردار است. نجاشی (م. ۴۵۰ق.) اثر تاریخی در موضوعات مختلف مانند حروب، فتن، مقاتل، ایام‌العرب، تاریخ عمومی، تاریخ محلی، سیره و تاریخ انبیا از نویسندگان شیعی گزارش می‌کند (در این باره ر. ک: مجیدی نسب، ۱۳۹۳: ۱۳۵-۱۷۰) که البته ۲۳۰ عنوان (یعنی حدود ۱۷٪ از این آثار) تا پایان سده سوم، مربوط به مناقب و فضائل اهل بیت بوده است. (در این باره ر. ک اصغرپور، ۱۳۸۸: ۱۳۰-۱۵۳) در دوران حاضر درباره میراث تاریخی امامیه متعلق به آن سده‌ها مطالعات پژوهشی چندی صورت گرفته است.^۱ با این حال پس از

۱. در این باره می‌توان به این منابع اشاره کرد: کتاب میراث مکتوب شیعه از سیدحسین مدرسی طباطبایی، کتاب تاریخ‌نگاری شیعه از علی امامی‌فر، و مقالاتی با عناوین: تاریخ‌نگاری شیعیان در سده‌های نخستین از منصور

آن پنج سده نگارش آثار تاریخی کم‌رنگ شد و تاریخ‌نگاری شیعه، در حوزه تاریخ ائمه به طور تقریبی به میان متون روایی رفت (در این باره ر.ک: توحیدی‌نیا و صفری‌فروشانی، ۱۳۹۴: ۴۲-۴۷) که نمونه‌های شاخص آن را می‌توان در آثار شیخ صدوق و به طور خاص دو کتاب عیون‌الآخبار و کمال‌الدین یافت. (درباره این دو اثر ر.ک: صفری‌فروشانی، ۱۳۸۶: ۱۶۶-۲۰۷) البته شاید در همان سده‌های نخستین نیز نسبت تولید آثار تاریخی با دانش‌های دیگر همانند حدیث، فقه و حتی کلام قابل‌هماوردی نبوده است.

این سیر نگارش آثار تاریخی شیعیان نقطه مقابل اهل سنت است که در میان آنان سنت نگارش آثار علمی، دانش تاریخ یکی از حوزه‌های مورد علاقه آنان بوده است. حتی با بررسی اجمالی آثار فهرستی اهل سنت پیراهه نیست اگر تاریخ را در کنار دانش حدیث و فقه، بدون مشخص کردن رتبه‌ای، میان سه دانش نخست اهل سنت از حیث تولید میراث گذاشت. یکی از پیامدهای این سلوک علمی امامیان نقص مطالعات مربوط به تاریخ تشیع و به خصوص تاریخ اهل بیت است. چرا که کتاب‌های تاریخی باقی‌مانده امامیان تا سده پنجم و ششم بسیار اندک است. ابراهیم بن محمد ثقفی صاحب الغارات (م. ۲۸۳ق.) احمد بن ابی یعقوب معروف به یعقوبی (م. ۲۸۴ق.)، ابی الحسن علی بن حسین بن علی مسعودی (م. ۳۴۶ق.) در صورتی که وی را شیعه بدانیم، و محمد بن محمد بن نعمان معروف به شیخ مفید (م. ۴۱۳ق.) از معدود عالمان شیعی هستند که آثاری درباره تاریخ ائمه نگاشته‌اند. از این رو به نظر می‌رسد توجه به منابع غیرامامی، اعم از منابع تاریخی، رجالی، جغرافیایی، حدیثی و فقهی و... در حوزه پژوهش‌های تاریخی دارای جایگاه باشد. میراثی که چه بسا عمدتاً به طور مستقیم به تاریخ اهل بیت نپرداخته‌اند و باید گزارش‌های آنان در این موضوع یا نزدیک به این موضوع را با مختصات شیعی بازخوانی کرد. این روش راهی است برای جریان فکری امامیه تا بتواند تاریخ خود را از حاشیه منابع پیش‌گفته تا حدی بازخوانی کند. اما در این میان گاه در منابعی از اهل سنت با حجم قابل توجهی از داده‌های تاریخی روبه‌رو می‌شویم که در واقع باید آن‌ها را داده‌هایی با ارزش برای تاریخ تشیع دانست. برخی از این منابع، منابعی تراجمی و تراجمی - تاریخی اهل سنت هستند که گاه به

مناسبت درباره امامان شیعه و تاریخ تشیع سخن گفته‌اند. هم از این روست که مراجعه به آن‌ها از حوزه‌های پژوهشی پراهمیت و ضروری به شمار می‌رود. این مقاله در قالب مطالعه‌ای موردی در تلاش است تا نشان دهد در حوزه پژوهش در تاریخ و سیره اهل بیت و ائمه شیعه بی‌توجهی به منابع اهل سنت امکان‌پذیر نیست. بر همین اساس به مطالعه درباره امام سجاد (ع) و منابع سنی رو کرده و تلاش می‌کند با مقایسه حجم اطلاعات ارائه‌شده در تاریخ مدینه دمشق ابن عساکر و الارشاد شیخ مفید، الخرائج و الجرائح قطب راوندی و مناقب آل ابی طالب ابن شهر آشوب نشان دهد که مورخان و محققان شیعی نیازمند مراجعه و توجه به گزارش‌های منابع سنی هستند. توجه به تاریخ ابن عساکر به خاطر منحصر به فرد بودنش در نقل گزارش‌های مرتبط با امام سجاد (ع) میان منابع اهل سنت است. منابع مختلفی از تراجم‌نگاران و تاریخ‌نگاران اهل سنت درباره امام سجاد (ع) بحث کرده‌اند که از آن جمله می‌توان به ابن سعد (م. ۲۳۰ ق.) در الطبقات الکبری یازده صفحه، (ابن سعد، بی تا: ۲۱۱/۵-۲۲۲) ابن جوزی (م. ۵۹۷ ق.) در المنتظم هفت صفحه، (ابن جوزی، ۱۴۱۲: ۳۲۶/۶-۳۳۳) ابن خلکان (م. ۶۸۱ ق.) در وفيات الاعیان سه صفحه، (ابن خلکان، بی تا: ۲۶۶/۳-۲۶۹) مزی (م. ۷۴۲ ق.) در تهذیب الکمال بیست و دو صفحه، (مزی، ۱۴۰۶: ۳۸۲/۲۰-۴۰۴) ذهبی (م. ۷۴۸ ق.) در تاریخ الاسلام هشت صفحه، (ذهبی، ۱۴۰۷: ۴۳۱/۶-۴۳۹) ذهبی (م. ۷۴۸ ق.) در سیر اعلام النبلاء پانزده صفحه، (ذهبی، ۱۴۱۳: ۳۸۶/۴-۴۰۱) صفدی (م. ۷۶۴ ق.) در الوافی بالوفیات یک صفحه، (صفدی، ۱۴۲۰: ۲۲۹/۲۰-۲۳۰) یافعی (م. ۷۶۸ ق.) در مرآة الجنان دو صفحه، (یافعی، ۱۴۱۷: ۱۵۱/۱-۱۵۳) ابن کثیر (م. ۷۷۴ ق.) در البدایه و النهایه سه صفحه، (ابن کثیر، ۱۴۰۸: ۱۲۱/۹-۱۳۴) ابن حجر (م. ۸۵۲ ق.) در تهذیب التهذیب دو صفحه، (ابن حجر، ۱۴۰۴: ۲۶۸/۷-۲۷۰) اشاره کرد. در این میان ابن عساکر (م. ۵۷۱) بسیار متفاوت عمل کرده است؛ وی ذیل عنوان امام سجاد (ع) در تاریخ مدینه دمشق در ضمن پنجاه و شش صفحه بیش از چهارصد گزارش درباره امام سجاد (ع) نقل کرده است. (ابن عساکر، ۱۹۷۵: ۳۶۰/۴۱-۴۱۶) از این رو باید وی را از معدود منبعی از اهل سنت بدانیم که بیشترین حجم از گزارش‌ها را درباره امام

سجاد (ع)، همانند مباحث مرتبط با امام علی (ع)،^۱ امام حسن (ع)^۲ و امام حسین (ع)^۳ نقل کرده است. این رویکرد ابن عساکر در توجه گسترده به مباحث مرتبط با این سه امام شیعیان به گونه‌ای است که نمی‌توان آن را با متون دیگر اهل سنت مقایسه کرد. میان منابع امامی هم برخی همانند ابن عساکر، و نه به اندازه وی، گزارش‌های مربوط به زندگی امام سجاد (ع) را مورد توجه قرار داده‌اند. شیخ مفید (م. ۴۱۳ق.) در الارشاد ۳۵ گزارش در بیست صفحه، (شیخ مفید، ۱۴۱۴: ۱۳۷/۲-۱۵۷) قطب راوندی (م. ۵۷۳ق.) در الخرائج و الجرائح ۲۶ گزارش در بیست صفحه (قطب‌الدین راوندی، ۱۴۰۹: ۲۵۵-۲۷۲) و ابن شهر آشوب (م. ۵۸۸ق.) در مناقب آل ابی‌طالب ۲۱۰ گزارش در چهل صفحه. (ابن شهر آشوب، ۱۳۷۶: ۲۷۳/۳-۳۱۳)

توجه به این سه منبع، افزون بر حجم کمی داده‌ها درباره امام سجاد (ع)، از این جهت است که الارشاد شیخ مفید به عنوان منبعی که پیش از ابن عساکر است و از آثار پراستناد میان منابع امامی است (درباره الارشاد شیخ مفید ر. ک، صفری فروشانی، ۱۳۸۷: ۳۷-۷۶) و الخرائج قطب راوندی و مناقب ابن شهر آشوب^۴ هم به عنوان منابعی که بعد یا احتمالاً هم‌زمان با ابن عساکر نگاشته شده‌اند برای این نوشتار دارای جایگاه است. هدف این است که هر دو قسم منابع امامی، یعنی آنچه که قبل و بعد از ابن عساکر نگاشته شده، در ارائه اطلاعات درباره امام سجاد (ع) با اثر ابن عساکر مقایسه شود و تا با بررسی حجم اطلاعات ضرورت رجوع به ابن عساکر مشخص شود.

۱. زندگی امام علی (ع) تحت کتابی با عنوان «علی بن علی ابی‌طالب (ع)» به صورت مستقل به کوشش محمدباقر محمودی، در بیروت و به سال ۱۹۷۵ق. منتشر شده است.

۲. زندگی امام حسن ع تحت کتابی با عنوان «ترجمة الحسن بن علی ابی‌طالب» من تاریخ مدینة دمشق للحافظ ابن عساکر به صورت مستقل به کوشش محمدباقر محمودی، در بیروت و به سال ۱۴۰۰ق. در سیصد صفحه منتشر شده است.

۳. زندگی امام حسین ع تحت کتابی با عنوان «ترجمة الحسين بن علی ابی‌طالب» من تاریخ مدینة دمشق للحافظ ابن عساکر به صورت مستقل به کوشش محمدباقر محمودی، در بیروت و به سال ۱۳۹۸ق. در ۳۴۰ صفحه منتشر شده است.

۴. البته این کتاب ظاهراً به طور کامل به دست ما نرسیده است. در این باره ر. ک جهانبخش، ۱۳۷۶: ۶۴-۷۳

درباره چرایی انتخاب امام سجاد (ع) به عنوان محور مورد پژوهش هم باید گفت که تحقیق درباره زندگی این امام مصداق آشکاری برای ضرورت رجوع و توجه به منابع سنی را نمایان می‌کند، چرا که در حوزه تاریخ اندیشه امامیه، دوران امامت این امام بزرگوار (۶۱-۹۴ ق.ه). یکی از دوران‌های مهم تاریخ تشیع است؛ دورانی که پایه‌گذار تحولات قابل توجه در گسترش مذهب تشیع و شکل‌گیری چارچوب‌های اعتقادی - فقهی امامی‌مذهبان در دوره دو امامین شریفین صادقین علیهما السلام (۹۴-۱۴۸ ق.ه) شده است. بدون تردید حجم گسترده فعالیت‌های امام باقر (ع) و امام صادق (ع) و گسترش معرفتی و اجتماعی تشیع در این دوره در خلاء نبوده و قطعاً فعالیت‌های سی و چند ساله امام سجاد (ع) (۶۱-۹۴ ق.ه) در این میان بسترساز بوده است. منابع امامی به خاطر محدودیت‌های اطلاعاتی امکان ترسیم و تکمیل طرح زندگی و فعالیت‌های حضرت و روشن شدن بستر این فعالیت‌ها را ندارند ولی می‌توان گزارش‌های مرتبط با امام سجاد (ع) در منابع اهل سنت، مانند تاریخ مدینه دمشق، را با این قرائت بازخوانی کرد. همچنین در نیاز بیشتر به این کتاب ابن عساکر، این را نیز باید افزود که توجه منابع شیعه بیشتر به مناقب، فضائل و معجزات بوده و توجه کمتری به لایه‌های زندگانی تاریخی ائمه داشته‌اند و همین مسئله باعث کمبود گزارش‌های تاریخی در منابع آنان شده است.

البته مطالب ابن عساکر ذیل عنوان علی بن حسین (ع) در کتاب تاریخ مدینه دمشق تنها بخشی از اطلاعات گزارش شده وی درباره این امام است؛ بخشی که ابن عساکر به صورت مستقیم درباره تاریخ، سیره و فعالیت‌های امام سجاد (ع) بحث کرده است ولی ابن عساکر در موارد متعدد دیگری و در ذیل اعلام دیگر کتابش به گزارش‌های مرتبط با امام سجاد (ع) اشاره کرده است. (برای نمونه ر.ک: ابن عساکر، ۱۹۷۵: ۱۷/۱۳۶ و ۱۹/۳۷۵-۳۷۶ و ۴۵۴ و ۴۵۷ و ۴۵۰-۴۵۱ و ۵۷/۲۰ و ۲۴/۲۳ و ۳۲۳/۲۶ و ۳۵۸/۳۰ و ۳۵۹-۲۷۸/۴۰ و ۱۵۲/۴۲-۱۵۴ و ۱۸۷ و ۲۹۰ و ۴۶۸ و ۱۶۹/۴۴ و ۲۷۶/۵۴ و ۱۵۹/۶۹-۱۶۰). البته ارائه اطلاعات ابن عساکر به همین نقطه ختم نمی‌شود. وی در موارد متعدد دیگری درباره امام سجاد (ع)، به مناسبت‌های دیگر، گزارش‌های مختلفی را نقل کرده است که به طور قطع آنها نیز در فهم شخصیت و فعالیت و سیره امام سجاد (ع) به طور مستقیم یا غیرمستقیم

می‌تواند کارساز باشد. (برای نمونه ر.ک: ابن عساکر، ۱۹۷۵: ۴۵۰-۴۵۱ و ۲۵۷/۳۲-۲۵۸ و ۲۱۴/۳۳ و ۱۴/۳۷ و ۱۶۴/۵۸ و ۱۹۹/۷۰) طبیعتاً این رویکرد به منابع اهل سنت، با توجه به خلاءهای موجود در منابع شیعی، ضرورت مراجعه و توجه به منابع گوناگون اهل سنت را بیشتر خواهد کرد. منابعی که با همت و تلاش محققان زمینه را برای اثبات تاریخی اصالت تشیع در این دوره را بیشتر فراهم خواهد کرد. دورانی که از مبهم‌ترین و مجهول‌ترین بخش‌های تاریخی تفکر امامیه به شمار می‌آید و نیازمند تحقیقات سترگی است.

نکته دیگری که ضرورت توجه به منابع اهل سنت را آشکار می‌کند حوزه محدودی است که منابع تاریخ‌نگاری شیعه، به معنای عام، از زندگی ائمه بحث کرده‌اند. در منابع امامی، امام اصولاً تحت عنوان فضائل، مناقب، کرامات و معجزات تحلیل می‌شود و گزارش‌ها عمدتاً حول همین محورهاست. دو کتاب «الهدایة الکبری» حسین بن حمدان خصیبی (ق. سوم) و «عیون المعجزات» حسین بن عبدالوهاب (ق. پنجم) دو نمونه شاخص در این عرصه است. (برای آشنایی بیشتر با این دو کتاب ر.ک: صفری فروشانی، ۱۳۸۵: ۱۵۶-۱۶۸ و هم چنین همان: ۱۳۸۴: ۱۵-۴۶) بر همین اساس است که منابع مرتبط با زندگی ائمه عمدتاً نگاهی تاریخی-اجتماعی ندارند و این دقیقاً برخلاف منابع اهل سنت و به طور خاص کتاب مورد بحث ما یعنی تاریخ ابن عساکر است. البته این نیاز دلیل نمی‌شود که اعتماد کاملی به این منابع صورت پذیرد، زیرا در این که ابن عساکر در روش و رویکرد خود هر اطلاعاتی را که در دسترسش بوده نقل کرده یا دست به گزینش زده نکته‌ای است نمی‌توان آشکارا درباره آن داوری کرد ولی به نظر می‌رسد گزینشی عمل کردن وی بعید نیست. همین نکته راه را برای اعتماد قابل توجه به این طیف از منابع ناهموار می‌کند. در واقع ضرورت مراجعه به منابع اهل سنت اثبات و تأیید کامل گزارش‌های منابع آن‌ها نیست بلکه تنها راهی است برای بازشناسی بهتر و آگاهی بیشتر از زندگی تاریخی و سیره اهل بیت. همچنین راهی است برای فهم و تفهیم تأثیر تاریخ‌نگاری در بازشناسی مذهبی تشیع؛ افزون بر آن که آن را می‌توان زمینه‌ای برای گسترش قلمرو مطالعاتی تاریخ ائمه قلمداد کرد.

در واقع این مقاله تلاش می‌کند به دلیل ناکارآمدی منابع شیعی در مطالعات شیعی پاسخ دهد و این فرضیه را تبیین کند که تاریخ‌نگاری شیعه نسبت به میراث اهل سنت

درباره تاریخ ائمه ناقص است و چاره‌ای جز رجوع و اعتبار نهادن به گزارش‌های سیره‌ای و تاریخی آنان نیست. درباره پیشینه این بحث هم باید اشاره کرد که مقاله یا نوشته‌ای که به این روش سعی در نشان دادن فرضیه نوشتار باشد دیده نشد، ولی پاره‌ای از منابعی که به در دوران معاصر و با نگاه‌های انتقادی تاریخ امام سجاد (ع) را مورد بررسی قرار داده‌اند، جهاد الامام سجاد (ع) از سید محمد رضا حسینی جلالی یا کتاب تاریخ زندگی علی بن حسین (ع) از سید جعفر شهیدی نسبت به منابع تاریخ اهل سنت توجه جدی داشته‌اند ولی هیچ‌کدام به صورت آماری و محتوایی وارد مقایسه‌ی حجم اطلاعات در منابع شیعه و سنی نشده‌اند. برای نشان دادن این موضوع نخست درباره ابن عساکر و کتابش بحث کرده‌ایم و پس از تبیین جایگاه دانش تاریخ در دو مذهب سنی و شیعه، از طریق مقایسه محتوایی و روشی منابع امامی پیش گرفته و تاریخ مدینه دمشق مباحث را پی گرفته‌ایم.

ابن عساکر و تاریخ مدینه دمشق

ابن عساکر، علی بن حسین ابوالقاسم (م. ۵۷۱ق.)، در سال ۴۹۹ق. در دمشق متولد شد. او به طور گسترده در مناطق مختلف جهان اسلام، مانند مصر، شام، عراق، منطقه جبال، اصفهان، نیشابور و هرات حضور داشت (ابن خلکان، بی تا: ۳/۳۰۹؛ ذهبی، ۱۴۰۷: ۴۲/۴۷۳؛ ذهبی، ۱۹۶۱: ۴/۲۱۲) و به تحصیل دانش و مطالعه پرداخت. وی که از نظر فقهی شافعی (ابن خلکان، بی تا: ۳/۳۰۹) و از نظر کلامی اشعری متعصبی به شمار می‌رفت (ذهبی، ۱۴۰۷: ۴۲/۴۷۳) در اولین مدرسه از مدارس نوریه دمشق فعالیت می‌کرد. (درباره مدرسه نوریه و ابن عساکر ر.ک: ابن عساکر، ۱۹۷۵: مقدمه، ج ۱، ص ۷؛ ابن کثیر، ۱۴۰۸: ۱۲/۳۴۷) خدمتی که وی به تاریخ حدیث و رجال اهل سنت کرد بدون تردید کمتر کسی آن را انجام داده است، به گونه‌ای که درباره وی گفته شده که اگر ابن عساکر نبود تاریخ در نبود او ماتم می‌گرفت. (ذهبی، ۱۴۱۳: ۲۱/۴۱۰)

وی در دوران حاکمیت زنگیان (۵۲۰-۶۷۴ق.) و ایوبیان (۵۶۷-۶۴۸ق.) در شام زندگی می‌کرد. این دوران با سقوط سلاجقه و دوران افول علمی در ایران و عراق و مرکزیت علمی یافتن شهرهای مهم شامات یعنی دمشق و حلب مصادف بود. در این دوران و بعد از سقوط حاکمیت فاطمیان مصر (۵۶۷ق.) بازتاب‌های ضد شیعی در مناطق سنی اوج گرفته

بود. فضایی که از نظر روشی کاملاً اهل حدیثی و نص‌گرایانه است. در این ایام سیاست مذهبی حاکمان این مناطق مبارزه با جریان‌های شیعی و حمایت از مذاهب اهل سنت و پیروان حدیث استوار بود. از این رو کارگردآوری و روایت حدیث در روزگار ابن عساکر سخت بالا گرفت و خود وی در این زمینه به چهره‌ای درخشان بدل گشت. (در این باره ر.ک: کسای، ۱۳۷۰: ۲۹۱/۴) ابن عساکر (م. ۵۷۱ق.) در چنین فضای سیاسی - اجتماعی آثار فراوانی در حوزه حدیث و رجال نگاشت که معروف‌ترین آنها اثر هشتماد جلدی وی با نام تاریخ مدینه دمشق و به عبارت کامل‌تر «تاریخ مدینه دمشق حماها الله و ذکر فضلها و تمسیه من حلها من الامائل او اجتاز بنواحیها من واردیها و اهلها» است.

ساختار این کتاب با پیشگفتاری مفصل از پیشینه دمشق آغاز می‌شود. پیدایش، بنا، وجه تمسیه شهر، اخبار وارده در فضائل دمشق و شام در احادیث نبوی و فتح آن به دست سپاه اسلام، نقشه شهر دمشق، مساجد، کلیساها، دیرها، دروازه‌ها، و تاریخ بنای هر کدام، ذکر رودها، کاریزها، زندگی‌نامه پیامبران، خلفاء، والیان، فقیهان، محدثان، قاضیان، قاریان، ادیبان، شاعران و روایانی که از دمشق و دیگر شهرهای دیار شام چون بیروت، رمله، حلب و بعلبک دیدار کرده‌اند، از مباحث این قسمت است. (کسای، ۱۳۷۰: ۲۹۲/۴-۲۹۳) سپس با نوعی معجم افراد معروف دمشق ادامه پیدا می‌کند. تاریخ دمشق کتابی تاریخی - تراجمی است که بدون ترتیب سالشماری براساس حروف الفبا شرح حال اعلام دمشقی یا دمشق‌رفته را بررسی کرده است. ابن عساکر بر همین اساس در این کتاب از امام سجاد (ع) نام برده که ایشان دوباره در دوران یزید و عبدالملک مروان به این شهر سفر کرده است. همچنین مسجد معروفی در این شهر به نام امام سجاد (ع) است. (ابن عساکر، ۱۴۱۵: ۳۶۰/۴۱)

این اثر طبق همان الگوی به کار برده خطیب بغدادی (م. ۴۶۳ق.) در تاریخ بغداد طراحی شده (ابی الفداء، بی تا: ۵۹/۳). همچنین ر.ک خطیب بغدادی، ۱۴۱۷: ۲۲/۱-۲۷) و از بهترین آثار نوشته‌شده درباره تاریخ شام و به طور خاص دمشق است.^۱ ابن عساکر در این کتاب درباره وضعیت تاریخی، فکری و اقتصادی دمشق بحث کرده است و اطلاعات

۱. این اثر ابن عساکر کنار معاجمی از این دست، مانند طبقات ابن سعد، الاغانی ابوالفرج، تاریخ بغداد خطیب، از ارزش ویژه‌ای برخوردار هستند زیرا از پراهمیت‌ترین منابع در ارائه گزارش‌ها درباره شخصیت‌ها به شمار می‌روند.

فراوانی در حوزه حدیث، تاریخ، ادبیات و... در آن ارائه کرده است. کتاب درباره تحولات شهر و شرح حال شخصیت‌های معروفی که از دمشق دیدن کرده‌اند سخن گفته است. ابن عساکر ذیل هر کدام از اعلام درباره زندگی علمی، سیره و روش زندگی، اتفاقات مهم، احادیث، و زندگی شخصی آنها را مورد بحث قرار داده و اندیشه‌ها و احیاناً نظرات خاص آنان را بیان کرده است. همانند اثر خطیب بغدادی (م. ۴۶۳ق). بر کتاب ابن عساکر نیز حدیث‌گرایی شدیدی سنگینی می‌کند.^۱ ابن عساکر در این کتاب توجه عمیقی به نقل اسناد دارد و گاه یک گزارش را از چند طریق نقل می‌کند. این شیوه ابن عساکر کاملاً قابل توجیه است زیرا وی پیش از آن که مورخ باشد یک محدث و حدیث‌شناس بزرگی است و شاید هدف اصلی وی از نگارش تاریخ دمشق بیشتر ناظر به محدثان بزرگی است که انتقال‌دهندگان میراث حدیثی اسلامی به شام بودند. در واقع احتمالاً باید طرح وی را قسمتی از طرح فکری او در حوزه دانش حدیث و فقه دانست چرا که این نوع نگارش‌ها در حقیقت حلقه مکمل زنجیره «اسناد» و «رجال» بوده که بدون آن فایده آن دو به طور کامل به دست نمی‌آمد.^۲ این شیوه محدثانه تاریخ‌نگاران و تراجم‌نویسان محدث، مانند ابن عساکر، کاملاً طبیعی است زیرا هدف دانشی آنان چیز جز خدمت به حدیث و دیگر محدثان نبوده است. از این رو روش آنان متضمن ملزومات آن رشته، یعنی حدیث بوده است. هم از این روست که توجه به اسناد کاملاً مورد دقت قرار گرفته است.

در پایان این قسمت باید بر این نکته تأکید شود که با همه اعتبار و اهمیتی که کتاب ابن عساکر دارد، مورخ شیعی همواره جانب احتیاط و توجه به آموزه‌های کلامی را در مواجهه با این طیف از منابع مرتبط با تاریخ ائمه و شخص امام سجاد (ع) از دست نمی‌دهد. زمینه این نکته به این تحلیل بازمی‌گردد که هر نوع اثر علمی محصول ذهن نویسنده است

۱. البته این شیوه به مرور کم‌رنگ شد که می‌توان نمونه آن را در ابن خلکان دید. وی براساس سالشماری و تاریخی اثر خود را تدوین کرد. یعنی افزون بر ترجمه احوال به بررسی تاریخی سیاسی نیز پرداخته است. بعد از این دوران بود که تراجم‌نویسی از همین سبک پیش رفت و اوج این شیوه را می‌توان در تاریخ اسلام ذهبی دید که وقایع سیاسی و تراجم افراد با هم و در طبقات ده ساله ارائه شده است.

۲. همچنان که هدف طبری (م. ۳۱۰ق). هم از نگارش تاریخ الرسل و الملوک تکمیل تفسیرش درباره قرآن است. درباره سبک نگارش آثار طبقاتی ر. ک: صفری فروشانی، ۱۳۷۹: ص ۳۵

که انگیزه‌های آگاهانه و سوگیری‌های ناآگاهانه جامعه بر آن تأثیر می‌گذارد. بر این اساس کتاب بزرگ ابن عساکر هم از همین نکته پیروی می‌کند. طبیعتاً گرایش‌های فکری و تحولات اجتماعی - فرهنگی در وی تأثیر گذاشته است. همچنان که اشاره شد وی محدثی وابسته به جریان اهل حدیث در شام است. جریانی که با توجه به گرایش‌های فکری و سیاسی رابطه خوبی با جریان‌های شیعی، و به طور خاص فاطمیان، نمی‌توانسته داشته باشد. در آن دوره نیز این دشمنی‌ها با شیعیان به حد قابل توجهی می‌رسد که در کنار عوامل دیگری، سرانجام باعث سقوط حاکمیت فاطمیان مصر (۵۶۷ق.) توسط صلاح‌الدین ایوبی (۵۳۱-۵۸۸ق.) می‌شود. (در این باره ر.ک: ابن اثیر، ۱۹۶۶: ۳۶۸/۱۱-۳۷۱) از سویی دیگر چندی هم از سقوط آل بویه توسط سلاجقه (۴۴۶ق.) نمی‌گذرد. به نظر می‌رسد به طور احتمال همه این افول و سقوط‌های جریان‌های سیاسی وابسته به شیعیان، و در نگاه آنان روافض، نمی‌توانسته بر فضای فکری ابن عساکر در گرایش‌های ضدشیعی و اصحاب حدیثی بی‌تأثیر باشد. بر همین اساس است که احتمالاً می‌توان گفت نگاه اهل حدیثی ابن عساکر و سطح هواداری وی از جریان خلافت به گونه‌ای آشکار این احتمال را تقویت می‌کند. وی در سیر نگارش کتاب خود روندی گزینشی را در پیش گرفته که موجب از بین رفتن گزارش‌ها و احادیثی درباره/از امام (ع) و جریان علویان شده است که از نگاه محقق/مورخ شیعی مخفی نیست. در مقابل ابن عساکر، گزارش‌های زیادی در مقابل جریان‌های علوی و هم در راستای اندیشه اهل حدیث در قسمت‌های مختلف تاریخ مدینه دمشق، و از جمله ذیل عنوان علی بن حسین (ع)، گزارش کرده است. (برای نمونه ر.ک: ابن عساکر، ۱۹۷۵: ۳۸۸/۴۱-۳۹۱)

مقایسه گزارش‌های سه منبع امامی با اثر ابن عساکر

در این قسمت به بررسی محتوای کمی و همچنین بررسی روشی تاریخی و تاریخ‌نگاری ابن عساکر و منابع امامی مورد بحث - الارشاد، خرایج و مناقب - خواهیم پرداخت. نخست درباره بررسی کمی گزارش‌های این دو دسته از منابع باید گفت که مطالعه در این حوزه نشان می‌دهد که مقایسه اطلاعات ارائه شده در منابع امامی با ابن عساکر به طرز قابل

توجهی متفاوت است. پیش از بحث نخست محورهای اطلاعات گزارش شده در این منابع را نشان خواهیم داد. درباره محورهای مباحثی که ابن عساکر درباره امام سجاد (ع) بحث کرده باید گفت که در این کتاب اطلاعات اولیه، مانند کنیه، القاب، سن، همسر، مادر، سال تولد، محل دفن و همچنین اطلاعات سالشماری به‌ویژه تاریخ وفات با دقت زیاد مورد توجه قرار گرفته است. وقایع مهم زندگی امام سجاد (ع) به طور مختصر ضبط شده است که محورهای آن عبارتند از اشاره به جریان کربلا، ارتباط با مروان، دیدار با عبدالملک بن مروان و هشام بن عبدالملک؛ گزارش‌هایی درباره زندگی شخصی امام، مباحث سیره‌ای به‌ویژه در بحث عبادات حضرت و سیره انفاقی و خیرخواهانه و رفتارهای سخاوتمندانه و اخلاق فردی و اجتماعی حضرت؛ حوزه ارتباطی حضرت با جامعه سنی و با جامعه نجبه و صاحب کرسیان حدیث و همچنین توجه به علم‌آموزی حضرت از بزرگان حدیثی مدینه؛ چندین گزارش درباره مقام علمی حضرت از نظرات معاصران ایشان و گزارش‌های مختلفی درباره مشایخ حدیثی و شاگردان حضرت. البته درباره چهره حدیثی و فقهی، و نه اعتقادی - کلامی، حضرت بحث می‌کند ولی اطلاعاتی که نشان‌دهنده جایگاه فقهی و حدیثی تأثیرگذار حضرت باشد روایت نمی‌کند. از آنجایی که شیعیان علی بن حسین (ع) را امام می‌دانند ابن عساکر گزارش‌هایی در رد نص (یعنی مهم‌ترین دلیل شیعیان بر امامت حضرت) و احترام به شیخین و رد نظرات شیعیان درباره خلفاء نخستین، از قول حضرت نقل کرده است. نظرات منفی امام (ع) نسبت به مختار و تعاملات حضرت با وی بخش دیگری از گزارش‌های ابن عساکر است. قطعات زیادی از اشعار، ادعیه و سخنان امام (ع) از قسمت‌های دیگر مباحثی است که ابن عساکر مطرح کرده است. همچنین درباره تأیید رجالی و ثقه‌بودن امام سجاد (ع) نیز ابن عساکر تنها به یک گزارش اکتفا می‌کند. (در این باره ر. ک: ابن عساکر، ۱۹۷۵: ۴۱/۳۶۰-۴۱۶)

از منابع امامی هم نخست به گزارش‌های شیخ مفید اشاره می‌شود. شیخ در الارشاد درباره محل و سال تولد، سن، کنیه، مادر، فرزندان، مدت امامت، ادله امامت، صدقات، سیره عبادی، اجتماعی، و رفتارهای ایثارگرانه حضرت، و چند گزارش محدود از ارتباط با حاکمان و سیاسیون بحث کرده است. درباره گزارش‌های قطب راوندی هم باید گفت

که همه گزارش‌های وی ناظر به کرامت‌ها و رفتارهای معجزه‌گونه حضرت است و هیچ اشاره‌ای به زندگی شخصی و سیره امام (ع) ندارد. ابن شهر آشوب هم عمده گزارش‌های خود را با محوریت کرامات حضرت تنظیم کرده است و در انتها درباره سیره عبادی، اجتماعی، رفتارهای سخاوتمندانه حضرت، و گزارش‌هایی درباره سال تولد و وفات، کنیه و القاب، فرزندان، راویان و اصحاب مباحثی را پی گرفته است.

با شماره کمی این چهار منبع باید گفت که مجموعه گزارش‌های روایت‌شده، اعم از گزارش‌های تکراری و یا منحصر به فرد، در تاریخ مدینه دمشق حدوداً ۴۱۱ گزارش، شیخ مفید ۳۵ گزارش، قطب راوندی ۲۶، ابن شهر آشوب ۲۱۰ گزارش شماره شده است. شماره گزارش‌ها نشان می‌دهد که ابن عساکر به تنهایی از نظر عدد تقریباً به تعداد گزارش‌های منابع امامی درباره امام سجاد (ع) روایت نقل کرده است در حالی که این سه منبع یعنی الارشاد، خرائج و مناقب، میان متون امامی منابعی هستند که بیشترین حجم گزارش‌های متمرکز درباره امام سجاد (ع) را گردآوری کرده‌اند. شیخ مفید در حدود ۲۹ گزارش، قطب راوندی سه گزارش، ابن شهر آشوب ۶۰ گزارش با ابن عساکر مشترک هستند. تشابه این دو طیف منابع، یعنی ابن عساکر با منابع امامی، تنها در چند گزارش که عمدتاً ناظر به اطلاعات شناسنامه‌ای است و چند گزارش درباره سیره عبادی، اجتماعی و انفاق‌های حضرت است. البته در این میان و در یک موضوع مشترک هم حجم اطلاعات طرق نقل قابل مقایسه نیست. مثلاً در باب کنیه حضرت، ابن عساکر چهار کنیه با بیش از بیست طریق روایی برای امام سجاد (ع) ذکر می‌کند در حالی که شیخ مفید و ابن شهر آشوب به یک کنیه و قطب هم بدون اشاره به کنیه مباحث خود را مطرح کرده‌اند. در ادامه اطلاعات هر چهار منبع به صورت جدول ارائه می‌شود.

جدول مقایسه اطلاعات

درباره این جدول‌ها باید توضیح داد که آن‌ها براساس موضوعاتی که در تاریخ مدینه دمشق ابن عساکر آمده تنظیم شده است. بعد از آن تعداد گزارش‌هایی که در همان موضوع است آمده و سپس سه منبع امامی به ترتیب الارشاد شیخ مفید، الخرائج قطب

راوندی و مناقب آل ابیطالب ابن شهر آشوب آورده شده است. ذیل هر کدام از این سه عنوان کتاب نخست تعداد گزارش‌ها درباره هر موضوع و سپس تعداد گزارش‌های مشترک نسبت به ابن عساکر درج شده است. در این جداول اطلاعات تاریخ مدینه دمشق با منابع امامی مورد مقایسه قرار گرفته است تا مشخص شود که منابع امامی تا چه مقدار آن گزارش‌ها را پوشش داده و تا چه اندازه‌ای آن‌ها را نقل نکرده‌اند. البته تنها اشتراک موضوعی میان گزارش‌های تاریخ دمشق و منابع امامی منظور بوده است و چه بسا از نظر حجم و متن تفاوت‌هایی میان آن باشد. همه اطلاعات در شش محور ذیل تنظیم شده است:

یک. زندگی‌نامه‌ای

شماره	موضوع	ابن عساکر	ابن شهر آشوب		قطب راوندی		شیخ مفید	
			تعداد	مشترک	تعداد	مشترک	تعداد	مشترک
	تولد	۱	۱	۰	۰	۰	۰	۱
	محل تولد	-----	۰	۰	۰	۰	۰	۱
	سال وفات	۳۰	۱	۰	۰	۱	۱	۱
	ماه وفات	۱	۱	۰	۰	۰	۰	۰
	روز وفات	۰	۳	۰	۰	۰	۰	۰
	مکان وفات	۲	۱	۰	۰	۱	۱	۱
	محل دفن	۲	۱	۰	۰	۱	۱	۱
	سن	۱۰	۳	۰	۰	۱	۱	۱
	سن در کربلا	۴	۰	۰	۰	۰	۰	۰
	لقب	۵	۲۲	۰	۰	۰	۰	۰
	کنیه	۳۴	۵	۰	۰	۱	۱	۱
	مادر	۱۰	۷	۰	۰	۰	۰	۳
	همسر امام	۱	۰	۰	۰	۱	۲	۲
	ازدواج با کنیزان	۳	۰	۰	۰	۰	۰	۰
	تعداد فرزندان	۴	۱۲	۰	۰	۱	۱۵	۱۵
	امتداد نسل امام حسین (ع)	۴	۲	۰	۰	۰	۰	۰

دو. علمی - حدیثی

شماره	موضوع	ابن عساکر	شیخ مفید		قطب راوندی		ابن شهر آشوب	
			تعداد	مشترک	تعداد	مشترک	تعداد	مشترک
	مشایخ	۳۱	۰	۰	۰	۰	۰	۰
	شاگردان	۲۱	۰	۰	۰	۳۳	۴	
	طبقه	۱	۰	۰	۰	۰	۰	
	تابعی	۲	۰	۰	۰	۰	۰	
	تعدیل رجالی	۸	۰	۰	۰	۰	۰	
	نظرات دیگران درباره امام ع	۲۴	۵	۴	۰	۰	۴	۳
	فقیه و افقهیت امام	۳	۰	۰	۰	۰	۰	۰
	قلیل الحدیث بودن امام	۲	۰	۰	۰	۰	۰	۰
	شعر	۵۳ بیت	۰	۰	۰	۰	۸	۰
	گزارش‌های مخالف با اندیشه‌های اعتقادی تشیع	۲۷	۰	۰	۰	۰	۰	۰
	نقل معجزات و امور خارق‌العاده	۲	۱	۱	۱	۱۷	۲۶	۱
	نقل حدیث	۳۰	۱	۱	۴	۰	۱	۰
	ملاقات با جابر	۲	۰	۰	۰	۰	۰	۰
	ارتباط زهری با امام	۵	۰	۰	۰	۰	۱	۱
	طالب علم نشان دادن امام نزد مشایخ	۷	۰	۰	۰	۰	۰	۰

سه. سیره ۵

شماره	موضوع	ابن عساکر	شیخ مفید		قطب راوندی		ابن شهر آشوب	
			تعداد	مشترک	تعداد	مشترک	تعداد	مشترک
	عبادت	۵	۲	۲	۰	۱۲	۲	
	نماز	۳	۱	۱	۰	۱	۱	
	وضو	۱	۱	۱	۰	۱	۱	
	روزه	۰	۰	۰	۰	۱	۰	
	حج	۳	۱	۰	۰	۴	۰	
	دعا	۹	۲	۱	۰	۵	۱	
	سیره دعا کردن	۱	۰	۰	۰	۰	۰	
	انفاق سیره	۸	۰	۰	۰	۱۶	۷	
	به عهده گرفتن دین	۱	۱	۱	۰	۱	۱	
	بردباری و فروتنی سیره	۷	۳	۱	۰	۶	۴	
	برخورد مناسب با کنیزان و غلامان	۳	۲	۲	۰	۴	۳	
	آزاد کردن عبد	۱	۰	۰	۰	۱	۱	
	پوشش	۱	۰	۰	۰	۰	۰	
	عمامه	۱	۰	۰	۰	۰	۰	
	راه رفتن	۲	۰	۰	۰	۲	۲	
	موی حضرت	۱	۰	۰	۰	۰	۰	
	رفتار با حیوانات	۱	۱	۱	۰	۱	۱	
	عدم اکل مال به خاطر ارتباط با پیامبر (ص)	۱	۰	۰	۰	۱	۱	

چهار. ارتباط با بنی هاشم

شماره	موضوع	ابن عساكر	شيخ مفيد		قطب راوندی		ابن شهر آشوب	
			تعداد	مشترك	تعداد	مشترك	تعداد	مشترك
	ارتباط با بنی هاشم	۳	۲	۰	۰	۰	۲	۱
	عمر بن علی (ع) و درگیری سر صدقات	-----	۱	-----	۰	۰	۱	۱

پنج. مرتبط با حادثه كربلا

شماره	موضوع	ابن عساكر	شيخ مفيد		قطب راوندی		ابن شهر آشوب	
			تعداد	مشترك	تعداد	مشترك	تعداد	مشترك
	بیماری در كربلا	۳	۰	۰	۰	۰	۱	۰
	دستور عدم تعرض به امام در كربلا	۱	۰	۰	۰	۰	۰	۰
	عدم قتل در كربلا	۲	۰	۰	۰	۰	۱	۱
	گفتگو با ابن زیاد	۲	۱	۱	۰	۰	۰	۰
	گفتگو با یزید	۲	۱	۰	۰	۰	۴	۱
	چگونگی اسارت در مسیر راه به شام	۱	۰	۰	۰	۰	۰	۰
	کثرت گریه بر ماجرای كربلا	۲	۰	۰	۰	۰	۴	۱

ش. حاکمان و سیاستمداران

شماره	موضوع	ابن عساکر	شیخ مفید		قطب راوندی		ابن شهر آشوب	
			تعداد	مشترک	تعداد	مشترک	تعداد	مشترک
	ارتباط با مروان	۴	۰	۰	۰	۰	۰	۰
	ارتباط با عبدالملک	۶	۱	۰	۲	۰	۵	۲
	ولید بن عبدالملک	۱	۰	۰	۰	۰	۰	۰
	جریان فرزاد و هشام بن عبدالملک	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱
	فته ابن زبیر	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱
	ارتباط با مختار	۲	۰	۰	۰	۰	۲	۰
	مسرف بن عقبه	۰	۱	۰	۰	۰	۱	۰
	ارتباط با حجاج	۰	۱	۰	۱	۰	۱	۰

جمع تعداد گزارش‌ها

عنوان	ابن عساکر	شیخ مفید		قطب راوندی		ابن شهر آشوب	
		تعداد	مشترک با ابن عساکر	تعداد	مشترک ابن عساکر	تعداد	مشترک ابن عساکر
تعداد گزارش‌ها	۴۱۱	۳۵	۲۹	۲۶	۳	۲۱۰	۶۰

اطلاعات به‌دست آمده از مقایسه تاریخ مدینه دمشق ابن عساکر و سه منبع پیش‌گفته امامی تفاوت‌های زیادی را از نظر کمی و کیفی آشکار می‌کند که ریشه‌های آن را باید در مبانی معرفتی و روشی ابن عساکر و همچنین سبک نگارش کتابش جستجو کرد. پیش از

بحث درباره مقایسه اطلاعات اثر ابن عساکر و سه منبع امامی نخست باید اشاره کرده که ابن عساکر تقریباً همه گزارش‌های تاریخی خود را به روش محدثان با سلسله سند روایی تا انتهای سند گزارش کرده است. این تفاوت آشکاری در نقل گزارش‌های این دو طیف از منابع است که در توضیح آن باید گفت از آن‌جا که ابن عساکر در مقام جرح و تعدیل شخصیت‌هایی است که حاملان میراث حدیثی اهل سنت، جهت استنباط احکام دینی و شرعی هستند، لذا گزارش‌هایی که درباره جایگاه آنان روایت می‌کند همگی از این جهت دارای سند است چه آن‌که آن‌ها خود ملاک داوری برای سوژه اصلی‌اند؛ به این معنا که این گزارش‌ها معیار ارزش داوری برای شخصیت رجالی محدث مورد نظر است. حال این شخص می‌تواند علی بن حسین (ع) باشد یا هر راوی دیگر. هم از این روست که ابن عساکر تقریباً تمام گزارش‌هایی را که درباره زندگی امام سجاد (ع) روایت کرده (یعنی بیش از چهارصد گزارش) همگی دارای یک یا چند طریق روایی است که مجموعه آنها حدود ۲۷۰ طریق روایی می‌شود. این روش، با این گستردگی در منابع تاریخی امامی دیده نمی‌شود زیرا منابع امامی نیازی به ارزش داوری درباره شخصیت مورد نظر، یعنی امام سجاد (ع)، ندارند و آنها تنها در مقام توصیف حضرت و اندیشه‌های اعتقادی جریان امامیه هستند.

این روش ابن عساکر در تاریخ‌نگاری سنی که از دانش حدیث بهره‌ماینده گرفته، لوازم دیگری هم دارد. یکی از آن‌ها توجه ابن عساکر به سال وفات و کنیه‌هاست. وی سی گزارش درباره سال وفات و ۳۴ گزارش درباره کنیه حضرت نقل کرده است (ر.ک به جدول شماره یک) که توضیح آن را باید در قالب اثر وی، یعنی سبک طبقات‌نگاری و معاجم‌نگاری جستجو کرد. این طیف از آثار در واقع گامی در جهت صحت اسناد حدیث و صحت امکان نقل میان راویان است. هم از این روست که زمان مرگ راویان را نشان می‌دهد که آیا امکان زمانی برای نقل روایت میان آن راویان وجود داشته است یا خیر؟ بر همین اساس است که ابن عساکر، برخلاف سه منبع امامی، چهار گزارش درباره سن امام (ع) زمان و حضور در کربلا نقل کرده و حتی در موردی کاملاً مجتهدانه به نقد و بررسی این موضوع می‌پردازد. توجه فراوان در اثر تاریخی ابن عساکر به کنیه‌های راویان

نیز جهت سهولت شناسایی آنان در نقل طرق اسنادی، به‌ویژه در صورت تشابه نام‌هاست. ابن عساکر بر همین مبنا ۳۴ گزارش نقل کرده است که مجموع سه منبع امامی در این بحث تنها شش گزارش است.

بر همین اساس طبقات‌نگاران عمدتاً بر حیات علمی افراد تمرکز داشته‌اند و در مقام نقل گزارش‌هایی از زندگی رجال هستند که به گونه‌ای نشان‌دهنده جایگاه علمی و رفتاری وی در جامعه باشد. (در این باره ر.ک: صفری فروشانی، ۱۳۷۹: ۳۴-۳۵) ابن عساکر در تاریخ مدینه دمشق درباره امام سجاد (ع) بر همین اساس پیش رفته است. او در ۲۴ گزارش نظرات شخصیت‌های علمی مختلف درباره امام سجاد (ع) را بیان کرده است. نظراتی که هرکدام به نحوی توصیف‌کننده مقام علمی و معنوی حضرت هستند و نشان از جایگاه علمی حضرت در نظام علمی آن زمان است. ابن عساکر همچنین سه نظر درباره جایگاه فقهی امام سجاد (ع) و دو گزارش هم درباره وضعیت حدیثی امام سجاد (ع) نقل کرده است. در مقابل این ۲۹ گزارش، منابع امامی تنها نه گزارش در این حوزه‌ها نقل کرده‌اند (ر.ک به جدول شماره ۲).

بر همین اساس است که طبقات‌نگاران اهل سنت به راویان و مشایخ رجال هم توجه جدی نشان می‌دادند؛ این که فلان راوی چه مشایخی یا چه شاگردانی داشته است. ابن عساکر برای امام سجاد (ع) ۳۱ استاد و ۲۱ شاگرد تعریف می‌کند و جابه‌جای مدخل بزرگ امام سجاد (ع) ذیل نام حضرت در موارد متعددی به مشایخ و راویان حضرت با طرق نقل مختلف اشاره می‌نماید. همه این‌ها تلاشی است برای امکان تشخیص و برقراری شاگردی و استادی را در سلسله سند فراهم می‌کند. از همین روست که ابن عساکر هشت گزارش درباره تعدیل رجالی امام (ع) در حوزه نقل حدیث گزارش کرده است. (در این باره ر.ک به جدول ۲)

در همین راستا می‌توان به تفاوت‌های معرفتی میان ابن عساکر و نویسندگان امامی اشاره کرد. در این باره نخست باید توضیح داد که یکی از عواملی که در شکل‌گیری سیره‌نگاری اهل سنت و به طور خاص ابن عساکر نسبت به ائمه (ع)، و به طور خاص امام سجاد (ع)، تأثیر مستقیم دارد باورهای کلامی امامیه و همچنین باورهای کلامی خود اهل سنت است.

منابع امامی با نگاه اعتقادی به زندگی ائمه نگاه کرده‌اند. این نگاه مورخ عمدتاً به ائمه و آنچه مربوط به امام، به عنوان امام، است می‌پردازد و مسائل اجتماعی، فرهنگی و سیاسی در نگارش تاریخی جایگاه اولیه‌ای ندارد. از پیامدهای این نگاه شیعی این که منابع مرتبط با زندگی ائمه توجه قابل دقتی به کرامات و رفتارهای خارق‌العاده ائمه دارند؛ هم از این روست که در این سه منبع امامی الارشاد، خرائج و مناقب آل ابی‌طالب ۴۴ گزارش درباره معجزات و کرامات امام سجاد (ع) روایت شده است. با بیان تفصیلی تری می‌توان گفت که بیشتر از ۶۵٪ درصد از گزارش‌های قطب راوندی، ۱۲٪ از گزارش‌های قطب راوندی و نزدیک ۳٪ درصد از گزارش‌های شیخ مفید درباره معجزات و کرامات امام سجاد (ع) است، حال آن که ابن عساکر چون این رفتارها را فرابشری می‌داند و وارد نقل و بیان آن‌ها نمی‌شوند (ر.ک به جدول شماره ۲). البته دو گزارش از ۴۱۱ گزارش ابن عساکر درباره امام سجاد (ع) به نحوی بوی کرامت می‌دهد: یکی روایت حضرت خضر (ع) و دیگری باز کردن غل و زنجیرها از دست و پا در حضور زهری است، ولی این گزارش با گزارش‌های منابع امامی که در همین حوزه، که عمده آن‌ها تصرف در امور تکوینی و تشریحی است، بسیار متفاوت است. این را نیز باید افزود که نگاه اعتقادی امامیان به امام سجاد (ع) واکنش ابن عساکر را نیز در پی داشته است. وی در پاره‌ای از موضوعات گزارش‌هایی از امام سجاد (ع) نقل می‌کند که نقطه مقابل آموزه‌های اعتقادی شیعی است. مثلاً ابن عساکر ۲۷ گزارش نقل می‌کند که همه آن‌ها مخالف نظرات امامیه شیخین و رد نظریه نص در اندیشه امامیه است. یا مثلاً وی هفت گزارش نقل می‌کند که نشان می‌دهد امام (ع) برای دریافت علوم نزد دیگران تلمذ می‌کرده است؛ گزارش‌هایی که به نحوی رد بر علم ویژه ائمه است (در این باره ر.ک به جدول شماره ۲). در واقع باید گفت بررسی گزارش‌ها در سه منبع امامی نشان می‌دهد که تاریخ در نگاه امامیان همواره شأنیت علمی دست دومی دارد که عمدتاً در راستای تبیین اندیشه‌های کلامی در حوزه امامت مانند اثبات امامت، علم ویژه، عصمت و ولایت تکوینی ائمه نوشته می‌شد. در واقع انگیزه منابع امامی، دینی و تبیین جایگاه امام (ع) به عنوان یک رهبر دینی است ولی در نگاه مورخ سنی مانند ابن عساکر انگیزه بیان جایگاه محدثی بدون هیچ ویژگی فوق بشری است. کافی

است در این باره آثار قطب راوندی^۱ و ابن شهر آشوب بررسی شود که عمده گزارش‌ها مربوط به معجز، دلایل و مناقب اهل بیت است، ولی عمده گزارش‌های ابن عساکر درباره رفتارهای سیاسی اجتماعی عادی و روزمره امام سجاد (ع) است. این نگرش منابع امامی نسبت به تاریخ و فهم فعالیت‌های ائمه آشکارا با ساختار شناخته‌شده از تاریخ‌نگاری اسلامی و به طور خاص سنی، تفاوت دارد. همین عدم پیروی باعث شده که تاریخ‌نگاری شیعه نتواند سطوح خاصی از معرفت پیرامون ائمه را به عرصه تاریخ و تاریخ‌نگاری اسلامی وارد کند.

به‌هرحال و جدای از این تفاوت‌های مبنایی و روشی، در بحث گزارش‌های سیره‌ای نیز تفاوت‌هایی دیده می‌شود. در حوزه سیره عبادی حضرت ابن عساکر ۲۲ گزارش و سه منبع امامی ۲۶ گزارش، در حوزه انفاق و رفتارهای خیرخواهانه حضرت ابن عساکر نه و سه منبع امامی ۱۷ گزارش، در باب بردباری و صبر، ابن عساکر هفت و سه منبع امامی نه گزارش روایت کرده‌اند. این‌ها نشان می‌دهد که حجم گزارش‌های ابن عساکر تفاوت فاحشی با جمع گزارش‌های منابع امامی ندارد؛ حال آن‌که با توجه به جایگاه امام در منظومه فکری امامیان این انتظار از منابع امامی می‌رود که نسبت به سیره و سنن ائمه توجه جدی نشان می‌دادند (ر.ک جدول ۳). همین داستان درباره تعداد گزارش‌های مرتبط با امام سجاد (ع) در این دو طیف از منابع دیده می‌شود. ابن عساکر سیزده گزارش و هر سه منبع امامی دوازده گزارش در این بخش روایت کرده‌اند (ر.ک جدول ۵). در بحث تعاملات و تقابلات سیاسی و ارتباط با حاکمان و والیان (به غیر از مباحث مرتبط با یزید و ابن زیاد و جریان کربلا که اشاره شده، ابن عساکر پانزده گزارش مرتبط با حضرت و مروان، عبدالملک مروان، ولید بن عبدالملک، ابن زبیر و مختار نقل می‌کند که تنها هشت مورد آن‌ها با هر سه منبع امامی مشترک است (ر.ک جدول ۶).

۱. قطب راوندی هفت کتاب - به غیر از خرائج شش کتاب دیگر - درباره معجزات ائمه نگاشته است که عبارت‌اند از: کتاب الدلالات و البراهین علی صحه امامه الائتی عشر علیه الصلاه و السلام، کتاب نوادر المعجزات، کتاب الموازات بین المعجزات، کتاب ام المعجزات، کتاب الفرق بین الحیل و المعجزات، کتاب فی اعجاز القرآن و سوره الکوثر. درباره قطب راوندی و آثارش ر.ک به حاج امینی، ۱۳۹۰: ۱۹۷-۲۴۴

نتیجه‌گیری

یکی از لوازم اصلی در مطالعات سیره ائمه و اهل‌بیت داشتن اطلاعات و گزارش‌هاست. به نظر می‌رسد با توجه به محدودیت آثار باقی‌مانده از سنت تاریخ‌نگاری امامیه این مهم با تکیه بر این طیف از منابع شیعی امکان‌پذیر نباشد. در مقابل مقدار کمی آثار تاریخی امامیان، منابع تاریخی اهل سنت در دوره‌ها و حوزه‌های مختلف به فراوانی در دسترس هستند. البته تفاوت‌های روشی قابل توجهی میان تاریخ‌نگاری شیعی و سنی وجود دارد که کاملاً در سبک تاریخ‌نگاری آن‌ها تأثیر دارد. در نگاه امامی مسائل اعتقادی بسیار پررنگ است و برای تاریخ‌نگاران شیعی پاسخ درباره ائمه و جریان فکری - مذهبی در رأس سؤالات آنان قرار دارد. در این رویکرد هدف توصیف همه‌جانبه زندگی امام نیست بلکه به آن مقدار از زندگی امام (ع) توجه می‌شود که در راستای باورهای کلامی باشد. بر این اساس هیچ مسیری برای بازسازی زندگی امام (ع) وجود نخواهد داشت. از این رو برای فهم سازه‌های تاریخی زندگی ائمه گزارش‌های منابع مختلف اهل سنت می‌تواند تأثیرگذار باشد و بهانه‌ای برای عدم رجوع به آن‌ها نیست؛ گرچه باید این گزارش‌ها تحلیل و بررسی موشکافانه شود. در واقع باید گفت که از آن‌جا که با کمبود منابع تاریخی امامی روبه‌رو هستیم، پس ناچار از رجوع به میراث مکتوب اهل سنت هستیم چرا که میراث باقی‌مانده از گزارش‌های تاریخی امامیه، که عمدتاً در متون حدیثی مندرج و ناظر به فضائل، مناقب و معجزات اهل بیت است و کمتر به زندگی ائمه که جنبه زمینی و الگویی دارد توجه شده است، این نگاه آشکارا نقطه مقابل منابع اهل سنت قرار می‌گیرد. احتمالاً همین نگرش شیعیان به تاریخ است که باعث شده تا آثار آنان دارای کمترین تأثیر در سنت تاریخ‌نگاری اسلامی باشد و شاهد آثار سترگ و پراستنادی در این زمینه از آن‌ها نباشیم.

این پژوهش با بررسی مقایسه‌ای محتوایی و روشی میان تاریخ مدینه دمشق ابن عساکر از اهل سنت، که بیشترین حجم مطلب درباره امام سجاد (ع) را میان منابع سنی به خود اختصاص داده، و سه اثر شیعی با عناوین الارشاد شیخ مفید، الخرائج و الجرائح قطب راوندی و مناقب آل ابی طالب ابن شهر آشوب به بررسی سبک تاریخ‌نگاری شیعه و اهل سنت پرداخت. بررسی حجم اطلاعات ارائه‌شده در تاریخ مدینه دمشق و این سه کتاب

امامی آشکارا حکایت از کمبود اطلاعات درباره زندگی ائمه در منابع امامی است، چرا که انباشت اطلاعات در تاریخ ابن عساکر به گونه‌ای قابل توجه با منابع امامی اختلاف دارد؛ به طوری که از مجموع ۴۱۱ گزارش ابن عساکر در تاریخ مدینه دمشق تنها ۹۲ مورد از آنها در سه منبع امامی مورد بحث انعکاس یافته است. همچنین باید گفت که محوریت منابع امامی با آموزه‌های اعتقادی- کلامی باعث شده که گزارش‌های مرتبط با ائمه، با نگاه مناقب و معجز‌نگارانه، به نحو قابل توجهی تراکم یابد ولی در تاریخ مدینه دمشق گزارش‌دهی از زندگی شخصی امام سجاد (ع) به گونه‌ای است که کاملاً می‌توان از آن متأثر و الگوپذیر شد. هم از این روست که محقق تاریخ و سیره اهل بیت چاره‌ای جز رجوع به این منابع و برخورد محققانه با آنها ندارد.

منابع

- ابن اثیر (۱۹۶۶ق). *الکامل فی التاریخ*. بیروت: دارصادر لطباعه و النشر.
- ابن جوزی (۱۴۱۲ق). *المنتظم*، تحقیق عبدالقادر عطا، بیروت: دار الکتب العلمیه، بی تا.
- ابن حجر (۱۴۰۴ق). *تهذیب التهذیب*. بیروت: دار الفکر.
- ابن خلکان (بی تا). *وفیات الاعیان*. تحقیق احسان عباس. لبنان: دارالثقافه.
- ابن سعد (بی تا). *الطبقات الکبری*. بیروت: دار صادر.
- ابن شهر آشوب (۱۳۷۶ق). *مناقب آل اُبی طالب*. نجف: المکتبه الحیدریه.
- ابن عساکر (۱۹۷۵). *علی بن اُبی طالب*. تحقیق محمدباقر محمودی، بیروت: دارالکتب العلمیه.
- _____، (۱۴۰۰ق). ترجمه «الحسن بن علی اُبی طالب» من تاریخ مدینه دمشق، محمدباقر محمودی، بیروت.
- _____، ترجمه «الحسین بن علی اُبی طالب» من تاریخ مدینه دمشق، به کوشش محمدباقر محمودی.
- _____، (۱۴۱۵ق)، *تاریخ مدینه دمشق*، علی شیری، بیروت: دار الفکر للطباعه والنشر و التوزیع.

- ابن کثیر، (۱۴۰۸)، *البدایة و النهایة*، تحقیق علی شیری، بیروت: دار احیاء.
- ابی الفدا (بی‌تا)، (۱۳۹۸ق). *المختصر فی أخبار البشر تاریخ*، بیروت: دار المعرفه،
- اصغرپور، حسن. «کتاب‌شناسی تاریخ مناقب‌نگاری اهل بیت تا پایان قرن سوم». *مجله مشکات*. بهار ۱۳۸۸، شماره ۱۰۲، ص ۱۳۰-۱۵۳.
- توحیدی‌نیا و صفری‌فروشان. «بررسی تحلیلی تاریخ‌نگاری روایی امامیه تا نیمه قرن پنجم». *تاریخ اسلام*. زمستان ۱۳۹۴، شماره ۶۴، شماره ۶۴، ۷-۴۲.
- جهانبخش، جويا (۱۳۷۶). «دست‌نوشته عتیق از مناقب ابن شهر آشوب». *آینه پژوهش*. شماره ۴۷، زمستان ۱۳۷۶.
- حاج امینی (۱۳۹۰). *معجزات ائمه علیهم‌السلام در کتاب الخرائج و الجرائح قطب راوندی*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه ادیان و مذاهب.
- خطیب بغدادی (۱۴۱۷ق).، *تاریخ بغداد*. تحقیق مصطفی عبدالقادر عطا. بیروت: دارالکتب العلمیه.
- ذهبی (۱۴۱۳ق). *سیر اعلام النبلاء*. تحقیق شعیب الارنؤوط. بیروت: مؤسسه الرساله.
- ذهبی (۱۹۶۱). *العبر*. تحقیق فواد سید. التراث العربی. کویت: ۱۹۶۱م.
- ذهبی (۱۴۰۷ق). *تاریخ الإسلام*، تحقیق عمر عبدالسلام تدمری. بیروت: دارالکتاب العربی. چاپ اول.
- صفدی (۱۴۲۰ق). *الوافی بالوفیات*، تحقیق أحمد الأرنؤوط و ترکی مصطفی، بیروت: دار احیاء التراث،
- صفری‌فروشان، نعمت‌الله (۱۳۸۷). «الارشاد، و تاریخ‌نگاری ائمه علیهم‌السلام»، *شیعه‌شناسی*، تابستان ۱۳۸۷، شماره ۲۲، ص ۳۷-۷۶.
- _____ (۱۳۸۴) «حسین بن حمدان خصیبی و کتاب الهدایه الکبری، صفری‌فروشان»، *پژوهشنامه حکمت و فلسفه اسلامی*، زمستان ۱۳۸۴، شماره ۱۶.
- _____ (۱۳۸۵)، «حسین بن عبدالوهاب و عیون المعجزات»، *مجله علوم حدیث*، زمستان ۱۳۸۵، شماره ۴۲.
- _____ (۱۳۷۹)، فصلی در تاریخ‌نگاری اسلامی طبقات، *تاریخ اسلام*، شماره ۴، زمستان ۷۹، شماره ۴، ص ۳۲-۷۱.

- _____ (۱۳۸۶) «بررسی دو اثر تاریخ‌نگاری شیخ صدوق»، **نامه تاریخ پژوهان**، تابستان ۱۳۸۶، شماره ده، ص ۱۶۶-۲۰۷.
- قطب‌الدین الراوندی (۱۴۰۹ق.) **الخرائج والجرائح**، تحقیق مؤسسة الإمام المهدي، مؤسسة الإمام المهدي، قم.
- کسایبی، نورالله (۱۳۷۰)، مدخل ابن عساکر، **دائرة المعارف بزرگ اسلامی**، ج ۴، مرکز دائرة المعارف بزرگ اسلامی، ۱۳۷۰، تهران.
- مجیدی‌نسب، نرگس (۱۳۹۳ق.)، «تاریخ‌نگاری شیعه در کتاب رجال نجاشی»، نامه تاریخ پژوهان، ۱۳۹۳، ش ۱۶، ص ۱۳۵-۱۷۰.
- مزی (۱۴۰۶ق.) **تهذیب الکمال**، تحقیق بشار عواد معروف، بیروت: مؤسسة الرسالة. چاپ چهارم.
- مفید (شیخ)، **الإرشاد** (۱۴۱۴ق.)، تحقیق مؤسسة آل البيت (ع) لتحقیق التراث بیروت: دار المفید.
- یافعی، عبدالله بن أسعد، (۱۴۱۷ق.) **مرآة الجنان وعبرة الیقظان**، تحقیق خلیل المنصور. بیروت: دارالکتب العلمیة.